

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال ششم - بهار 1405 - شماره 24 - ص 90-110

خانواده متعالی و نقش آن در کاهش آمار طلاق

لیلا ذوالفقار اوغلی¹

چکیده

خانواده مهم‌ترین نهاد پرورش، رشد و تعالی انسان است. انسان موجودی اجتماعی است و نیازمند در کنار هم بودن؛ خداوند با نعمت خانواده، کنار هم بودن را برای انسان فراهم کرده است. اما گاهی عواملی سبب می‌شود که خانواده از هم بپاشد و این از هم پاشیدگی باعث ایجاد آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق می‌شود. به دلیل اهمیت خانواده و مشکلاتی که در نبود آن به وجود می‌آید، در تحقیق حاضر به بررسی خانواده متعالی و نقش آن در کاهش آمار طلاق پرداخته شده است. روش تحقیق در مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد و مطالب گردآوری شده از طریق مطالعه ی کتب و مقالات مرتبط، به دست آمده است. خانواده متعالی، خانواده‌ای بر مبنای خدا معنایی است. وقتی در خانواده ای خدا مینا قرار بگیرد، گذشت و ایثار در خانواده حاکم می‌شود و فردگرایی و عدم مسئولیت‌پذیری که باعث از هم پاشیدگی خانواده می‌شود، وجود نخواهد داشت. در خانواده متعالی محبت، همدلی، حسن خلق و تواضع وجود دارد. همکاری، مشورت، صداقت و احترام از نشانه‌های تواضع است. از جمله عوامل طلاق، بدبینی، بداخلاقی، عدم صداقت، خیانت و مشکلات اقتصادی است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که با رعایت عفاف و حجاب، رعایت عدل و انصاف، تعهدمداری، اخلاق محوری، تعیین هدف و هدف گذاری در زندگی و به طور کلی حاکم شدن معنویت در زندگی که از ویژگی‌های خانواده متعالی می‌باشد، آمار طلاق به صورت چشمگیری کاهش خواهد یافت.

واژگان کلیدی: خانواده، متعالی، ویژگی‌ها، طلاق

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر (عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

رشد و تعالی جامعه در گرو داشتن جامعه سالم است. جامعه ای سالم است، که در آن شاهد آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، بزهکاری، فساد اخلاقی و... نباشد. خانواده مهم‌ترین نهادی است که می‌تواند از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند. خانواده اولین کانون تربیت و پرورش انسان است و مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت و هویت انسان دارد. بنابراین خانواده مهم‌ترین نهاد زمینه‌ساز جامعه ای سالم است. هر خانواده‌ای نمی‌تواند زمینه‌ساز جامعه ای سالم باشد. اگر در خانواده‌ای ارزش‌های اخلاقی و انسانی حاکم نباشد، نه تنها نمی‌تواند جامعه ای سالم را ایجاد کند، بلکه خود مانعی بر ایجاد جامعه ای سالم و عامل آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. خانواده‌ای که ارزش‌های اخلاقی و انسانی در آنها حاکم است، خانواده متعالی است.

خانواده متعالی، خانواده‌ای است که در آن ارزش‌های حقیقی انسانی حاکم است و باعث رشد و تعالی انسان شده و او را در مسیر هدف خداوند از خلقت انسان قرار می‌دهد. خانواده متعالی، خانواده‌ای است که به همه دستورات خداوند عمل می‌کند و همه اعضای خانواده به حقوق همدیگر احترام می‌گذارند و در همه اعمال خود خدا را در نظر می‌گیرند. اگر تمامی خانواده‌ها در جامعه دارای شاخص‌های خانواده متعالی باشند، می‌توان از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق، پیشگیری کرد.

طلاق از جمله آسیب‌های اجتماعی است که علاوه بر اینکه خود آسیب اجتماعی است، عامل آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز می‌باشد. وقتی کانون خانواده که محل تعلیم و تربیت افراد جامعه و امن‌ترین مکان برای دستیابی به آرامش است، از بین می‌رود، زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود. به همین دلیل در تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال هستیم که خانواده متعالی چه نقشی در کاهش آمار طلاق دارد؟ به همین منظور به بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های خانواده متعالی و نقش خانواده متعالی در کاهش آمار طلاق پرداخته‌ایم.

- علی‌آقا صفری و محمد امیری (۱۴۰۲) در مقاله راهکارهای کاهش طلاق از منظر روایات با تاکید بر اندیشه امام خاмене‌ای، به این نتیجه رسیده‌اند که در عوامل درونی و بیرونی راهکارهای کاهش طلاق، پایه‌ای‌ترین دستاوردها در حوزه داخلی، کنترل عقلایی خواسته‌ها، لحاظ کردن نقش‌های مناسب و کلان، تامین نیازها و اهتمام به تفاوت‌های طبیعی است. و اساسی‌ترین یافته‌ها در حوزه عوامل نقش‌آفرین محیطی، هدف‌محوری، تعهد‌مداری، صلح و سازش‌پذیری و پاسداری از حریم‌ها بر پایه عدالت و حفظ حرمت است.

- در مقاله دیگر با عنوان افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی؛ نوشته گوهر حاجی پهلوان و محمد مهدی کریمی نیا و مجتبی از صاری مقدم

(۱۴۰۰) به این نتیجه رسیدند که روابط زوجین با خانواده‌ها را آسیب‌هایی نظیر مرزبندی‌های نادرست، انتظارات و توقعات نابجا، آزار و اذیت‌های کلامی و غیر کلامی، وابستگی‌ها و... تهدید می‌کند که می‌تواند سایر جنبه‌های زندگی زوجین را هم تحت تاثیر قرار دهد. خانواده‌هایی که خود را از این آسیب‌ها دور نگه می‌دارند با حمایت‌های عاطفی، اجتماعی و مالی خود از زوجین می‌توانند باعث تحکیم زندگی زناشویی زوجین شوند.

- سید مهدی کیا (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان خانواده، ازدواج و طلاق، به این نتیجه رسیده است که تا رسیدن افراد جامعه به سطح اعتقادی و اخلاقی مطلوب، راهی بس دراز در پیش است و تلاش‌هایی که در جهت رشد دینی و اخلاقی جامعه صورت می‌گیرد، به هیچ روی پاسخگوی نیازهای موجود در این زمینه نیست. همچنین روند رو به رشد رفع محدودیت‌های ارتباطی بین مردان و زنان و گسترش روابط آزاد جنسی، تهدیدی جدی برای نهاد خانواده است که هیچ‌گونه چاره‌اندیشی معقول و حساب شده‌ای در مورد آن مشاهده نمی‌شود. در مورد روش‌های دیگر مانند افزایش آگاهی زناشویی، تشویق واقع‌نگری، تقویت کارکردهای خانواده در زمینه رضای نیازهای جنسی و عاطفی، تقویت عوامل کنترل اجتماعی و حکومتی و سیاست‌های حمایت از خانواده نیز فراز و نشیب‌هایی به چشم می‌خورد.

- صدیقه باوندپوری (۱۳۹۴) در مقاله تاثیر سبک زندگی اسلامی و مدرن در پدیده طلاق به این نتیجه رسیده است که سبک زندگی اسلامی تاثیر مفید و بهتری در پیشگیری از طلاق و از هم‌پا شیدگی بنیاد خانواده دارد ولی سبک زندگی مدرن آمار طلاق را افزایش داده منجر به نابودی شخصیت اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

در مقالات ذکر شده هر چند به سبک زندگی، خانواده، رابطه بین اعضای خانواده، رابطه بین زن و مرد و تاثیر آن بر کاهش و افزایش طلاق پرداخته شده است؛ اما در هیچ‌کدام از مقالات ذکر شده به شاخص‌ها و ویژگی‌های خانواده متعالی و تاثیر آن در کاهش طلاق پرداخته نشده است و ما در این مقاله به این موضوع پرداخته‌ایم.

مفهوم شناسی

۱- خانواده

خانواده در لغت به معنی خاندان، دودمان، تبار، اهل خانه، اهل بیت و در اصطلاح یگانه سازمان اجتماعی که با دوام و همگانی است و از دیرباز در زندگی بشرهای ماقبل تاریخ وجود داشته است و حتی قبل از عبادتگاه، دولت و هر سازمانی که برای تمرکز فعالیت آدمی به وجود آمده است خانواده است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ۶/۹۴۳۸) و کوچک‌ترین گروه اجتماعی در جامعه که شامل پدر و مادر و فرزندان است. (انوری، ۴/۱۳۸۶/۲۶۶۵)

۲- متعالی

دارای برتری، والا، رفیع (انوری، ۱۳۸۶، ۷/۶۶۴۲)

۳- طلاق

طلاق در لغت به معنی رها شدن زن از قید نکاح، رها کردن، فسخ کردن عهد نکاح (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۵۴۸۹/۱۰)، رها کردن و ترک کردن است. و در اصطلاح از بین رفتن یا برهم زدن رابطه زوجیت در ازدواج دائم است که در آن زن و شوهر ضمن تقدیم دادخواست به دادگاه، اعلام آمادگی برای طلاق یا جدایی از هم می‌کنند. (انوری، ۱۳۸۶، ۴۸۹۱)

اهمیت خانواده

خانواده نخستین خشت بنای جامعه است. از این رو تحکیم بنیان خانواده عامل مهمی در ایجاد یک جامعه سالم است. خانواده مهم‌ترین رکن هر جامعه است. چنانچه خواستار اصلاح در یک جامعه باشیم باید از اصلی‌ترین هسته‌ی آن یعنی خانواده آغاز کنیم. اگر اعضای خانواده در سلامت و امنیت کامل روحی و روانی قرار داشته باشند، جامعه نیز از امنیت و سلامت کامل برخوردار خواهد بود. (سید را ضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۲۴)

خانواده اساساً یک کانون کمک، تسکین، التیام و شفا بخش است و کانونی است که باید فشارهای روانی وارد شده بر اعضای خانواده خود را تخفیف دهد و راه رشد و شکوفایی آنها را هموار کند. (مسعوده هنریان و سید جلال یونسی، ۱۳۹۰، ۲۶)

خانواده تنها نهاد فطری، طبیعی، بی‌بدیل و جاودانه انسان است. چرایی و ضرورت اولیه پدیدآیی همه نهادها و سازمان‌های اجتماعی برای استقرار و تحکیم خانواده بوده است. خانواده پرقداست‌ترین نهاد هستی است، چرا که خالق مهربان، فلسفه خلقت همه شگفتی‌های هستی را بر زوجیت استوار کرده است. از همین رو پیامبر محبوب خدا، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، پس از بنای نخستین مسجد در شهر مدینه، در جمع مسلمانان حاضر در مسجد فرمودند: "از منظر من محبوب‌ترین بنای هستی خانواده است." این کلام حکیمانه پیامبر رحمت، بدان معناست که خانواده کانون محبوبان است و بایسته و سزاوار آن است که همیشه شاهد حضور محبوبان آرامش‌آفرین در خانواده باشیم. (دکتر غلامعلی افروز، ۱۳۹۸، ۱۱)

خانواده به مثابه دژی استوار و نهادی مقدس، بیش‌ترین مسئولیت را در رشد و تحول، تربیت و تعالی و سعادت انسان بر عهده دارد. اساس تشکیل خانواده و ازدواج در نظام الهی رسیدن به آرامش روان و آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد، نیل به کمال انسانی و تقرب به ذات حق است. افراد هویت خود را از طریق خانواده احراز می‌کنند.

(مهرانگیز شعاع کاظمی، ۱۳۸۴) خانواده خاستگاه بشر است و هیچ بنیانی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج در نزد خدا نیست. (علی نبی پور، ۱۳۹۰: ۲۰۰) جامعه شناسان اولین حلقه شکل‌گیری

بنیان جامعه را خانواده می‌دانند؛ روان‌شناسان ریشه حالات روانی از سان‌ها را در خانواده جستجو می‌کنند؛ دانشمندان تربیت، نکته‌عزیمت تربیت را خانواده می‌دانند و مصلحان اجتماعی هر نوع تحول صلاح‌گرایانه را منوط به خانواده می‌دانند. (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶)

جامعه بی‌خانواده، جامعه آشفته‌ای است، جامعه نامطمئن است. جامعه‌ای است که در آن موارد فرهنگی و فکری و عقاید نسل‌ها به یکدیگر آسان منتقل نمی‌شود. جامعه‌ای که در آن تربیت انسان به راحتی و روانی صورت نمی‌گیرد. اگر جامعه‌ای خانواده نداشته باشد یا خانواده در آن متزلزل باشد، انسان در بهترین پرورشگاه‌های خود پرورش پیدا نخواهد کرد. (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷) خانواده که نبود، نوجوان نیست، کودک نیست، انسان نیست، مرد و زن صالح نیست، اخلاق نیست، انتقال تجربیات مثبت و خوب و با ارزش نسل گذشته به نسل بعد نیست. (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

خانواده متعالی

همچنان که بدن انسان از سلول‌ها تشکیل شده که نابودی و فساد و بیماری سلول‌ها به طور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به جاهای خطرناکی برای کل بدن انسان منتهی می‌شود، همین‌طور جامعه هم از سلول‌هایی تشکیل شده، که این سلول‌ها خانواده‌اند. هر خانواده‌ای یکی از سلول‌های پیکره‌ی اجتماع و بدنه‌ی اجتماع است. وقتی این‌ها سالم بودند، وقتی این‌ها رفتار درست داشتند، بدنه‌ی جامعه، یعنی آن پیکره جامعه سالم خواهد بود. (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱)

اگر در جامعه‌ای خانواده مستحکم شد و زن و شوهر حقوق یکدیگر را رعایت کردند و با هم اخلاق خوش داشته و سازگاری نمودند و با همکاری هم مشکلات را برطرف نموده و فرزندان را تربیت کردند، جامعه‌ای که این‌طور خانواده‌ها را داشته باشد، به صلاح خواهد رسید و نجات پیدا خواهد کرد و اگر مصلحی در جامعه باشد می‌تواند این‌طور جوامع را اصلاح نماید. اگر خانواده‌ای نبود، بزرگترین مصلحین هم بیایند نمی‌توانند جامعه را اصلاح کنند. (حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲).

خانواده مهم‌ترین رکن هر جامعه‌ای است. چنانچه خواستار اصلاح در یک جامعه باشیم باید از اصلی‌ترین هسته آن یعنی خانواده آغاز کنیم. اگر اعضاء خانواده در سلامت و امنیت کامل روحی و روانی قرار داشته باشند جامعه نیز از امنیت و سلامت کامل برخوردار خواهد بود. (سیده رضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۲۷)

خانواده‌ای که می‌تواند جامعه را اصلاح کند، خانواده متعالی است. خانواده‌ای که دارای درجه عالی است. خانواده یک نظام اجتماعی و طبیعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. در زیر به برخی از ویژگی‌های خانواده متعالی می‌پردازیم.

۱- همدلی

همدلی در خانواده یعنی درک همسر و پی بردن به زاویه دید او در مسائل چه موجب الفت و صمیمیت بیشتر میان آنها می‌شود، اگر فرد خود را در محیط خانواده تنها و بی‌یاور احساس کند به گونه‌ای که افراد خانواده برای او و خواسته‌هایش ارزشی قائل نباشند، فرد از پیمودن مسیر و تحمل رنج راه مایوس می‌شود. چه بسا نبود همدلی باعث فروپاشی نظام خانواده و دور شدن افراد خانواده از یکدیگر و آسیب به دیگر اعضای خانواده نیز گردد. همدلی و همراهی اعضای خانواده با یکدیگر و تشخیص و صلحت زندگی و ترجیح آن بر منفعت شخصی از ویژگی‌های خانواده متعالی است و این خصوصیات در پرتو همراهی اعضای خانواده اعم از زوجین و فرزندان، امکان‌پذیر است. قراردادهای و مقررات در این خانواده مورد احترام است ولی آنجا که پای مصالح بزرگتری در میان باشد، هر یک از افراد خانواده از انعطاف‌پذیری روحی خاصی برخوردار می‌گردد که خواسته‌های فردی را فدای پی‌شبرد اهداف زندگی خواهد نمود. همدلی سبب می‌شود زوجین در تمام سختی‌ها و مسائل یار و یاور یکدیگر باشند. (سیده راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۲۹)

افراد در خانواده متعالی در فضای همدلی یاد می‌گیرند که با تفاهم و درک موقعیت و شرایط روحی و جسمی یکدیگر و حفظ روح ایثار و احسان از راحتی‌ها و منافع لحظه‌ای و فردی خود بگذرند و همه سعی و تلاش می‌نمایند تا منافع جمعی و بلند مدت خانواده را حفظ کنند. (سیده راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۳۰)

۲- محبت

همان‌طور که از انسان به آب و غذا نیاز دارد، به محبت نیز نیاز دارد و جایگاه این محبت را بیشتر در چهارچوب خانواده جستجو می‌کند. محبت را می‌توان به دو معنا گرفت؛ دوست داشتن و دلدادگی.

محبت برای انسان یک نیاز طبیعی است. بررسی‌های متعدد ثابت کرده‌اند که محبت مهم‌ترین عامل سلامتی روحی و روانی و نبود آن موجب ناهنجاری‌های متعدد است. کمبود محبت مشکلاتی را پدید می‌آورد که نه تنها برای انسان زیان‌بخش است بلکه زمینه را برای آشفته‌گی‌های اجتماعی نیز فراهم می‌کند. (سید راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۲۶)

عشق به خانواده، عطیه‌ای الهی است که تجلی مهر مهربان‌ترین مهربانان در وجود فرد است. محبت نسبت به اعضای خانواده، سبب نزول رحمت الهی می‌شود. در نگرش اسلامی، فرد ظرف وجود خویش را مالا مال از هدیه الهی عشق به خانواده می‌کند و بنابر توصیه‌های شریعت، با خانواده خوش رفتاری می‌نماید. در روابط انسانی، عشق و علاقه، هم آثار نیک و جهاد مثبت دارد و هم اگر بی‌حساب و بی‌معیار و خارج از کنترل باشد، پیامدهای سوء خواهد داشت، گاهی هم حقایق را بر آن سان پوشیده می‌سازد و عیب‌ها را کتمان می‌کند و نکات ضعف را به نکات قوت تبدیل می‌نماید و زشت را زیبا جلوه می‌دهد و این از عوارض سوء "افراط در محبت" است. محبت، گاهی در داوری انسان نسبت به دیگران هم اثر می‌گذارد و آدمی را به داوری ناحق می‌کشاند. گاه موجب فراهم شدن زمینه برای حسادت دیگران ضابطه او می‌شود که عوارض سوء و مخربی را در محیط گرم و صمیمی خانواده ایجاد می‌کند. بنابراین باید محبت را مدیریت کرد، زیرا که در زمان‌ها و شرایط مختلف خاصیت متفاوتی بر جا می‌گذارد. اگر شخصی کمبود محبت نداشته و به جا و به موقع نیاز را دریافت کرده باشد، در مقابل بسیاری از ناهنجاری‌های روانی و بیماری‌های جسمی بیمه خواهد شد. تبادل عاطفی، محیط خانواده را فضایی سالم امن و سرشار از نشاط می‌کند. (سیده راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۲۹-۱۲۷)

تنها محبت درونی و قلبی نیست که زندگی را سامان می‌بخشد؛ بلکه رفتار محبت‌آمیز است که در پایداری زندگی نقش دارد. زندگی امری جدی است، نه یک داستان و تنها با عمل، استوار و پایدار می‌شود. (عباس پسندیده، ۱۳۹۱، ۱۱۲)

۳- عفاف و پاک دامنی

واژه عفاف در منابع لغوی به خودداری از چیزی که حلال نیست یا خودداری از گفتار یا کرداری که جایزه و شایسته نیست، تعریف شده است. عفت و پیراپیشگی در فطرت آدمی نهفته است. البته ممکن است شکل، اندازه و کیفیت بروز آن در دوره‌های مختلف متفاوت باشد، اما این خصلت همیشه بروز و ظهور داشته است. موضوع عفاف مخصوص زنان نیست، بلکه ذات و سرشت هر انسانی، اقتضای حیا و عفاف را دارد و پاسداری از حریم خانواده و داشتن عفت و حجاب بر افراد خانواده ضروری می‌باشد. حفظ عفاف برای مردان و زنان آنچنان اهمیت دارد که حتی نوع پوشش، آهنگ صدا، آرایش‌های آنان، کنترل نگاه، نوع راه رفتن و نکات ریز دیگری نیز در تعالیم اسلامی به صراحت بیان شده است که برای حفظ عفت و پاکدامنی باید رعایت شود. (سیده راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۳۲-۱۳۳)

خویش‌داری توانایی برجسته روحی به انسان می‌دهد تا وی در برابر هجوم هوا و هوس سرکش، پایداری کند و در فراز و فرود زندگی، به کمال برسد ایمان به خدا و زندگی پس از

مرگ از مهم‌ترین و قوی‌ترین عوامل پیدایش شگریری از شهوات و هوس‌هاست. با عفاف و خویش‌داری می‌توان از هرز رفتن استعدادها و برای بالندگی هنجارها و ارزش‌ها یاری نمود. عفت و پاکدامنی نیاز و ندای درونی انسان می‌باشد. بنابراین با رعایت کامل آنها، از غم و آشفتگی‌های می‌یابیم. بی‌عفتی جز احساس گناه و تنفر از خود و دچار شدن به جنون جوانی که بازدارنده از هرگونه فعالیت انسانی است، اثر دیگر ندارد. عفاف سلامت جامعه را به دنبال دارد، زیرا جامعه را افراد آن تشکیل می‌دهند و اگر افراد اصلاح شوند، جامعه نیز اصلاح خواهد شد. (عسکری و اسلام پور و کریمی، ۱۳۸۴)

۴- حسن خلق

حسن خلق در لغت یعنی ملکات اخلاقی زیبا و در اصطلاح، عبارت است از خوش‌رویی، خوش رفتاری، حسن معاشرت و برخورد پسنندیده با دیگران. خوش‌رویی و خوش‌اخلاقی از ضای خانواده با یکدیگر، موجب آرامش و گرمی کانون خانواده می‌شود و پایه‌های این کانون مقدس را محکم می‌سازد. کلمات زیبا و جملات محبت‌آمیز از ضای خانواده در خانه و حتی خارج از خانه، همیشه باید نو و تازه باشد و نباید با گذشت ایام، روابط بین آنها را سرد و عادی کند. با رعایت این نکات افراد خانواده اگرچه به هم نزدیک و صمیمی می‌شوند اما حصار محبت و احترام مانع از آن می‌شود که کلمات و جملاتی نامناسب را در برخورد با یکدیگر به کار گیرند. (سید راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۳۴-۱۳۵)

حسن خلق از جمله مفاهیمی است که در حوزه روابط میان فردی معنا می‌یابد و نقش مهمی در پایداری خانواده و رضایت زناشویی دارد. حسن خلق گاهی موثر در جهت برقراری ارتباط موثر است و ارتباط در حوزه‌های مختلف خانوادگی، شغلی، تحصیلی و زناشویی را تسهیل می‌سازد. حسن خلق دارای مصادق‌هایی است که از آن جمله می‌توان به الفت‌گیری و الفت‌پذیری، نرم‌خویی، انعطاف‌پذیری، خوش‌گفتاری، خوش‌شرویی، شوخ‌طبعی، خرسند شدن در خوشاینها و عصبانی نشدن در ناخوشاینها، مهار خشم، گشایش بر خانواده اشاره کرد. (سید مهدی خطیب، ۱۳۹۸: ۲۵۷-۲۵۹)

۵- تواضع

تواضع از ریشه "وضع" و در اصل به معنای فرو نهادن است و به معنای خویش را کوچک نشان دادن، خود را خوار کردن آمده است. و در مقابل آن "تکبر" به معنای "خود را بزرگ داشتن" است. در اصطلاح تواضع عبارت است از شکست نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه‌ی آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند. تواضع از جمله عوامل مهمی است که کیان خانواده به آن بستگی دارد و اعضای خانواده باید در

رعایت آن همت گمارند تا به تعالی و ر شد دست یابند. تواضع در خانواده متعالی دارای نشانه‌هایی است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - مشورت

مشورت در مورد خانواده و بین اعضای آن بسیار با اهمیت است و نشانه تواضع است، فرزندان نیز با الگوگیری از والدین می‌آموزند در تمامی برنامه‌های خود از بزرگ‌ترها مشورت بگیرند. (سید راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۳۵-۱۳۶)

در اهمیت مشورت همین بس که در برخی از روایات، از آن به عنوان بهترین پشتیبان یاد شده است؛ مثلاً امام علی علیه السلام می‌فرماید: "لا مظاهره اوثق من الم شاوره"؛ "پشتوانه‌ای محکم‌تر از مشورت کردن نیست". به وسیله مشورت کردن می‌توان بسیاری از مشکلات خانوادگی را حل کرد. (محمد باقر تحریری، ۱۳۹۹: ۲۸۵-۲۸۷)

ب - همکاری در خانواده

از مواردی که در خانواده سالم و کارآمد به چشم می‌خورد، روحیه تعاون و همکاری میان اعضای خانواده است؛ در حالی که مسئولیت و نقش هر عضو نیز مشخص است. داشتن روحیه همکاری و نداشتن تکبر، از ویژگی‌های انسان‌های با ایمان است. (سید مهدی خطیب، ۱۳۹۸، ۲۲۱)

تعاون و همکاری در خانواده به معنای مشارکت در تمام امور خانواده است، همکاری در خانواده به صورت فیزیکی و مشارکت در تصمیم‌گیری است، همکاری سبب می‌شود که بار مسئولیت‌ها بر دوش یک نفر نمی‌افتد و صمیمیت و همدلی نیز بیشتر می‌شود. در برخی از خانواده‌ها افراد با خود برتر بینی، کمک در امور منزل را کسر شأن و مناسب شخصیت خویش نمی‌دانند، در صورتی که در خانواده متعالی، افراد با کمال فروتنی و بدون هیچ‌گونه ناراحتی، در تمامی امور حتی کارهای منزل همکار یکدیگر هستند. (سیده راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸)

ج - رفتار متواضعانه

گاهی مرد با توجه به برتری جسمی و موقعیت خویش در خانوا، رفتار غرورآمیز و نامناسب را پیش می‌گیرد و انتظارات بی‌جایی را مطرح می‌کند این رفتار وی افزون در این که پسندیده نیست با تأکیدات اسلام بر فروتنی و تواضع منافات دارد. گاهی نیز زن با توجه به تحصیلات، ثروت و... نسبت به مرد رفتاری متکبرانه نشان می‌دهد که این مورد نیز به شدت با مبانی اخلاقی متعارض است. به عبارت دیگر هر یک از اعضای خانواده متعالی بر خود لازم می‌دانند برای حفظ و تقویت کانون پرمهر و عطوفت خانواده و نیز در جهت هر چه بهتر تربیت شدن فرزندان و اصلاح روابط اجتماعی آنان در آینده توجه و تأکید بیشتری بر این خصیصه اخلاقی داشته باشند. (سیده راضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۳۶-۱۳۷)

د - صداقت و امانتداری

صداقت در خانواده، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در خانواده‌ای که پر از عطر صداقت است، زوجین با یکدیگر بر مبنای صدق رفتار می‌کنند تا اعتماد و اطمینان یکدیگر را که پایه‌های استواری زندگی است، استوار کنند. وقتی صداقت بر فضای خانواده متعالی پرتو افکند، یک‌دلی و صمیمیت بر روابط اعضای خانواده حاکم خواهد شد. اعضای آن دو ستار همدیگر می‌شوند. دلسوزی‌ها و همدردی‌های آنان نسبت به یکدیگر صمیمانه و واقعی می‌شود و هیچ یک از افراد خانواده به خود اجازه نمی‌دهد که با دیگری به روش منافقان رفتار کند. کینه‌ها و کدورت‌هایی که از بی‌اعتمادی‌ها و بی‌صداقی‌ها منشا می‌گیرند، رخت بر خواهد بست و خانواده و اجتماع در مسیر شکوفایی و تعالی رشد قرار خواهد گرفت. واژه صدق در قرآن، دو کاربرد دارد: صدق گفتاری و صدق رفتاری. صدق گفتاری به معنای مطابقت کلام با واقع است. صدق عملی یا رفتاری به معنای مطابقت اعمال و رفتار انسان با گفتار یا اعتقاد است. بنابراین، صادق به کسی می‌گویند که اگر به چیزی معتقد است، به اقتضای اعتقادش رفتار کند. (سیده را ضیه پورمحمدی و سکینه آخوند و نرجس اخلاقی، ۱۳۹۸، ۱۳۸)

امانت داری نیز در واقع نوعی صداقت است؛ صداقت در رفتار. یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری خانواده و رضایت زناشویی، وجود اعتماد در زندگی است. خانواده، حدود و اقتضائاتی دارد که رعایت آنها در آشکار و نهان، سبب حفظ کیان خانواده و رضایت زناشویی می‌شود؛ اما همیشه این امکان وجود دارد که یک طرف، از بی‌خبری طرف دیگر، سوء استفاده کند و به کارهای خلاف مقتضای خانواده دست بزند که در اصطلاح "خیانت" نامیده می‌شود. آنچه می‌تواند این تهدید را برطرف سازد، امانتداری است. اعتماد به همسر جز با وجود صفت امانت داری به دست نمی‌آید. (عباس پسندیده، ۱۴۰۱، ۳۰۷)

ه - احترام و ادب

رعایت ادب و احترام همسران نسبت به یکدیگر از دیگر ابزارهای لازم برای تحکیم و تقویت بنیان خانواده است. برای برخی مرسوم شده است که به هر کس بیشتر نزدیک شدیم، باید بیشتر هم با او بی‌ادبانه رفتار کنیم، حریم‌ها را بشکنیم و آسایش را هم رفاقت و صمیمیت بگذاریم. گاهی زن و شوهر با وجود گرمی روابط و رضایت‌مندی، نسبت به هم بی‌توجهی می‌کنند و نه تنها از کلام زیبا و القاب ارزنده استفاده نمی‌کنند بلکه یکدیگر را نیز به استهزاء می‌گیرند، مدام به هم طعنه‌زده، با گوشه و کنایه با هم گفتگو می‌کنند، یا یکدیگر را سبک و خار می‌کنند و یا معایب همدیگر را بزرگ می‌کنند. یکی از موارد قابل توصیه آن است که روابط همسران می‌بایست بر پایه ادب و احترام، استوار گردد. گاه زن و شوهر در کلام، مبادی آداب و مقید به احترام هستند، اما رفتاری برخلاف آن دارند. گاه در حضور دیگران با هم بدرفتاری

می‌کنند، مشکلات زندگی را به افراد خانواده منتقل می‌کنند. این گونه عملکردها به شدت بنیان خانواده را سست می‌کند. (محسن نیازی، ۱۳۹۲، ۸۹)

نیاز به احترام گم‌شده روانی انسان‌هاست و این نیاز به صورت بنیادین مطلوب هر انسانی است. طبیعی است که هنگام برقراری ارتباط، نادیده انگاشتن اصل احترام، ضربه‌ی بزرگی به ماهیت رابطه وارد خواهد ساخت. چه بسیار روابطی که پاشنه‌ی آشیل آن، فقدان احترام و در نظر نگرفتن کرامت انسانی است. روابط میان هم‌سران، فرزندان، دوستان و دیگران بر اصل احترام استوار است. (سید مهدی خطیب، ۱۳۹۶، ۲۸)

۶- مثبت‌نگری

مثبت‌نگری به پدیده‌ها در تحکیم روابط هم‌سران نقش بسزایی دارد. فرد مثبت‌نگر با نگاه خیر به دنیا و پدیده‌های آن می‌نگرد، در حالی که انسان‌هایی که مثبت‌نگر نیستند به همه چیز و همه کس بدبین هستند، به رفتار و گفتار همه معترضند، همی‌شه‌آیه یأس می‌خوانند، از کوچک‌ترین مسئله زندگی بزرگ‌ترین را می‌سازند. این گونه نگرش به دنیا برای اعضاء خانواده جز یاس و ناامیدی و دل‌سردی نیست، در این خانواده‌ها شور و شوق زندگی به شدت سرکوب می‌شود و امید به زندگی کاهش می‌یابد. انسان‌های مثبت‌نگر و مثبت‌اندیش، پدیده‌ها را به بهترین نحو ممکن توجیه می‌کنند و تلاش می‌کنند پس از هر حادثه و اتفاقی، نتیجه مفید عاید خود و دیگران کنند. این افراد قادرند حتی شکست‌ها و ناکامی‌ها را به نحوی مدیریت کنند که کمترین آسیب متوجه خود و دیگران شود. (محسن نیازی، ۱۳۹۲، ۹۰-۹۱)

عوامل ایجادکننده طلاق

طلاق یکی از مهم‌ترین عوامل از هم‌گسیختگی بنیادی‌ترین بخش جامعه، یعنی خانواده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تبعات طلاق منحصر به خانواده و اعضاء خانواده نیست، بلکه این پدیده باعث متزلزل شدن اجتماع نیز می‌شود. برای پیشگیری از طلاق باید با علل طلاق آشنا باشیم. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۱)

۱- عدم مهارت‌های ارتباطی

وجود نقطه ضعف‌هایی در ارتباط و حل تعارض بین زوجین در سال‌های نخست ازدواج منجر به طلاق و ناراضی‌تاری از رابطه می‌شود. تعاملات نامناسب و بدکارکردی که زوجین درگیر آن می‌شوند همان چند سال اول ازدواج منجر به افزایش پرخاشگری‌های زبانی و بدنی در رابطه زوجین می‌شود. مهارت‌های ارتباطی شامل چگونگی گوش کردن و شنیدن، ابراز محبت، مبادله رفتارهای مثبت و لذت‌بخش، حل تعارض و اختلاف، داشتن باورها و انتظارات صحیح و واقع‌بینانه، حمایت متقابل، مهارت‌های جنسی و... می‌باشند. (م‌سعوده هنریان و سید جلال یونسی، ۱۳۹۰، ۱۳۲) عدم انتقال صحیح شیوه‌های زندگی به نسل جدید برای ورود به حیات

خانوادگی، به دلیل کم توجهی خانواده و نهادهای رسمی، آن هم در این عصر و با گسترش خانواده هسته‌ای، باعث اختلال در کارکردهای اصلی نهادهای اجتماعی شده است. آشنا نبودن نسل جوان با مهارت لازم، برای داشتن روابط سالم و آداب صحیح یک زندگی مشترک، زندگی زوجین جوان را با بحران مواجه ساخته است. (آذر قلی‌زاده و امیرحسین بانکی‌پور فرد و زهرا مسعودی نیا، ۱۳۹۴، ۴۶)

۲- عدم صداقت

صداقت یکی از پایه‌های اصلی و مهم در زندگی سالم است. عدم صداقت ریشه بسیاری از مشکلات همچون بی‌اعتمادی و بدبینی است که دل سردی در زندگی را سبب می‌شود. در مواردی علت طلاق در عدم صداقت زن و یا شوهر نهفته است. (منصوره زارعان و ام البنین چابکی، ۱۳۹۶، ۳۵۱)

۳- کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و دینی

پایبندی به سنت‌ها و رسوم اخلاقی در یک جامعه دینی عامل مهمی در ترجیم روابط خانوادگی است. نقش عنصر اخلاق در استحکام خانواده از مسائلی است که به نظر می‌رسد کارشناسان امور خانواده حق آن را ادا نکرده‌اند. این در حالی است که در شرایطی که حتی دو زوج از جهات گوناگون هم‌سانی دارند، ضعف تربیت اخلاقی می‌تواند به تنهایی باعث از هم پاشیدگی خانواده شود. (آذر قلی‌زاده و امیرحسین بانکی‌پور فرد و زهرا مسعودی نیا، ۱۳۹۴، ۵)

۴ - خیانت و رابطه با نامحرم

در یک زندگی سالم انتظار آن است که زن و مرد به یکدیگر تعهد داشته باشند و از هرگونه رابطه با نامحرم اجتناب ورزند. خیانت زن به شوهر و شوهر به زن، علاوه بر حرمت شرعی، دزدگی همسر را در پی دارد و علائق و دلدادگی را زایل می‌کند و باعث تزلزل و فروپاشی خانواده می‌گردد. (منصوره زارعان و ام البنین چابکی، ۱۳۹۶، ۳۵۰)

۵- تفاوت‌های فردی و فرهنگی

بسیاری از اختلافات در روابط زناشویی به دلیل عدم تناسب و زوجین از نظر ویژگی‌های فردی و فرهنگی می‌باشد. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از تناسب سن، تناسب فیزیکی، باورها و عقاید فکری و مذهبی، وضعیت اقتصادی و بافت فرهنگی - اجتماعی. زوجینی که از نظر زمینه فرهنگی-قومی و نژادی با هم تفاوت دارند، انتظارات و باورهایشان در مورد روابط زناشویی نیز متفاوت است. (مسعوده هنریان و سید جلال یونسی، ۱۳۹۰، ۱۲۸)

نه تنها عناصر فرهنگ در خانواده‌های مختلف متفاوت است، بلکه در کیفیت اجرای اجزاء فرهنگ نیز اختلاف وجود دارد؛ هر خانواده عناصر فرهنگی را به نحوی خاص و متفاوت با دیگران برداشت و تفسیر می‌کنند. اختلاف در سطح فکری، اخلاقی، تربیتی و سلیقه و آداب و

ر سوم بین زن و شوهر باعث می شود هر کدام راهی را در پیش گیرند که مورد قبول دیگری نیست. زوجین دارای تفاوت‌های زیاد در گرایش‌ها، ارزش‌ها و عقاید ممکن است دچار مشکلات زنا شویی شوند؛ چون رخدادهای رابطه‌ای را از دیدگاه‌های متفاوت می‌بینند. (آذر قلی زاده و امیرحسین بانکی‌پور فرد و زهرا مسعودی نیا، ۱۳۹۴، ۴۸)

۶- عوامل اقتصادی

زوجینی که تحت فشار روانی-اقتصادی هستند با انواع مسائل در حال مبارزه‌اند. مشکلات اقتصادی باعث گوشه‌گیری، فشار عاطفی و افسردگی در افراد می‌شود. فقر باعث کاهش عزت نفس مرد می‌شود و در نتیجه سبب بروز استبداد یا واکنش‌های مایوس‌کننده نسبت به دیگران از جمله همسر می‌شود و این مسائل باعث تشدید تنش‌های زناشویی می‌شود. (مسعود هنریان و سید جلال یونسی، ۱۳۹۰، ۲۶)

بیکاری که ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی از جمله ضعف اقتصادی است، سهم بسزایی در شروع اختلاف خانوادگی و در نهایت طلاق زوجین دارد. (فردین قریشی و داوود شیرمحمدی و آوات برجوند، ۱۳۹۳، ۲۶)

۷- اعتیاد

اعتیاد یکی از معضلاتی است که همواره جامعه بشری را تهدید کرده است و یکی از مهم‌ترین بیماری‌های عصر حاضر است. تعریفی که از اعتیاد وجود دارد به این گونه است که آن را نوعی بیماری قلمداد می‌کنند که وابستگی همیشگی به مصرف یک ماده و یا تکرار یک رفتار است. با این تعریف می‌توان اعتیاد را به دو نوع رفتاری و یا مصرف یک ماده تعریف کرد. اعتیاد باعث سردی در روابط عاطفی زوجین شده و همین موضوع خود در دراز مدت می‌تواند خانم‌ها را مستعد ابتلا به اعتیاد بکند، حال این اعتیاد می‌تواند به مصرف مواد مخدر منجر شود یا می‌تواند باعث اعتیاد رفتاری مثل اعتیاد به فضای مجازی شود. اعتیاد با تاثیر گذاشتن بر اقتصاد خانواده، باعث کاهش رضایت دیگر اعضای خانواده شده و این موضوع خانواده را متلاشی می‌کند. قتل، فحاشی، تن‌فروشی برای تامین نیاز مالی و تامین مواد مخدر، دزدی و... از جمله آسیب‌های اعتیاد به مواد مخدر است. اعتیاد به گوشه‌نشینی یا فضای مجازی اختلالی است که در آن فرد نمی‌تواند استفاده از گوشه‌نشینی را کنترل کند و باعث ناراحتی یا اختلال عملکردی قابل توجه می‌شود که بیشتر باعث ناراحتی روانی، مشکلات در روابط اجتماعی، مدرسه یا مشکلات کاری می‌شود و یکی از عوامل ایجادکننده تعارضات زناشویی، اعتیاد به شبکه‌های مجازی است. (احسان دانشور، ۱۴۰۱: ۲)

۸- توقعات بی جا و چشم و هم چشمی

امروزه زرق و برق‌های بسیار زیاد و متنوع مانند سمی که بر اختلافات خانوادگی دامن زده گریبان‌گیر جامعه گشته و وضعیت بحرانی را در کانون خانواده به وجود آورده است. گرفتار شدن در زرق و برق دنیوی باعث می‌شود که زوجین، خود و زندگی‌شان را فراموش کنند. افراد با ندیدن جنبه‌های مثبت زندگی خود و دیدن جنبه‌های به ظاهر مثبت و یا به واقع مثبت دیگران دچار کشمکش‌های فراوان می‌شوند. اگر زوجین گرفتار چنین حالتی شوند تحت هر شرایطی و امکاناتی هرگز به آرامش و رضایت نخواهند رسید. (سحر کریمی، ۱۳۹۴: ۶)

آسیب‌های طلاق

پس از شناخت عوامل زمینه ساز طلاق، آسیب‌های ناشی از طلاق بر اعضای خانواده و اجتماع بررسی می‌شود، آسیب‌های طلاق، یکی از معضلات مهم اجتماعی است. طلاق آسیب‌هایی را در ابعاد فرهنگی خانوادگی و اقتصادی همراه دارد که هر یک از زوجین، فرزندان و اجتماع را به نوعی دچار آسیب می‌کند. در زیر به مواردی از آسیب‌های اجتماعی اشاره می‌کنیم. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۱۷)

۱- بزهکاری

طلاق یکی از عوامل بزهکاری در کودکان است اختلافات خانوادگی، دعوای، برخوردها و توهین‌ها محیطی ناامن برای طفل به وجود می‌آورد. محیطی که طفل را وادار می‌کند از خانه فرار کند و به جایی پناه ببرد. دنبال یک مسکن می‌گردد. یک محل، یک مامن و از آنجا که این طفل با توجه به شرایط زندگی و خانوادگی آن زمینه‌های مثبت را کمتر داشته، مسلماً به سمت بزهکاری کشیده می‌شود. جدایی اخلاقی و عدم تفاهم والدین نیز نوعی جدایی و طلاق عاطفی است. به نظر جامعه‌شناسان طلاق به مثابه یک بمب اتمی است، وقتی ما از جنگ جهانی که از حادثه‌های مهم و تلخ تاریخی-اجتماعی به شمار می‌رود صحبت می‌کنیم، از تبعیدها و از دست دادن والدین حرف می‌زنیم، از میدان مبارزه و مقاصد طرفین جنگ، سخن به میان می‌آوریم، در واقع می‌گوییم که این تنها مردها نیستند که در زنگ گشته می‌شوند یا تبعید می‌گردند، بلکه زنان و نوجوانان و کودکان تازه به دنیا آمده هم نابود می‌شوند یا گرفتار می‌گردند. (امین الله قاسمی، ۱۴۰۰: ۵۲۷)

فقدان والدین و بی‌توجهی به فرزندان، آنها را در برابر محیط آسیب‌پذیرتر خواهد کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که فرزندان در سال‌های نخست پس از جدایی والدین، آسیب‌پذیرتر می‌شوند و معضلات اجتماعی، روان و جسم آنها را بیش‌تر تحت تاثیر مخرب خود قرار می‌دهد. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۲۰).

۲- آسیب های طلاق بر زنان

سهم زنان از پیامدهای طلاق به مراتب بیش تر از مردان خواهد بود. زنان پس از طلاق در معرض فشارهای روحی روانی قرار می گیرند. فشار روانی ناشی از نگرفتن حضانت فرزندان، طرد اجتماعی، عدم ارتباط با محیط بیرون، فقدان همدل و همراز، مشکلات اقتصادی و مسکن، احساس گناه و خیانت نسبت به خویشاوندان، کاهش فرصت های ازدواج، افسردگی و سایر اختلالات عاطفی، ترس از تنها ماندن اعتیاد زنان، فحشا در اثر فقر، ناآگاهی و ضعف ایمان. زنان شاغل رنج بیشتری را تجربه می کنند در حال که بیشتر مردان در همان موقعیت حمایت و همدردی را جذب می کنند. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۱۸)

۳- پیامدهای اجتماعی و فرهنگی بر فرزندان

خانواده بنیاد بسیار مهم و حائز اهمیتی است. فایده خانواده در تربیت نسل بشر و ایجاد انسان های سالم از لحاظ معنوی و فکری و روانی یک فایده منحصر به فردی است. هیچ چیز جای خانواده را نمی گیرد. (حضرت آیت الله خامنه ای، ۱۳۸۱) خانواده یک محیط امنی است که در آن چه فرزندان و چه خود پدر و مادر می توانند روح فکر و ذهن خود را در این محیط امن و قابل اعتماد، سالم نگه دارند و رشد بدهند. وقتی خانواده سست شد، نسل هایش همین طور پستی سر هم می آیند، بی حفاظ اند. (حضرت آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۶) پر خاشاگری و ناسازگاری کودکان، فرار از منزل و ولگردی آنان، افت تحصیلی، کاهش میل به ازدواج در دیگر افراد خانواده به ویژه بچه های طلاق، احمال و مساحمه ولدین در تعلیم و تربیت فرزندان و ایجاد زمینه و بستری برای آسیب های اجتماعی، بی اعتنائی و بی توجهی نسبت به آنها در جامعه و ایجاد خانواده های ناتنی از جمله آسیب های طلاق بر فرزندان است. این مشکلات در رشد شخصیت و سازگاری کودکان اثرات نامطلوبی بجا گذاشته و احتمال ابتلای آنان را به اختلالات روانی افزایش می دهد. طلاق ولدین نه تنها برقراری روابط عاطفی را برای کودکان دشوار می کند، بلکه روابط گذشته آنها را با والدینشان مخدوش می کند.

در زندگی پس از جدایی والدین که کودک تک والدی است و مادر سرپرست وی می باشد، به دلیل فقدان پدر مسائل روحی و روانی بسیاری برای کودکان ایجاد می شود. در صورت فقدان مادر نیز آسیب های عاطفی و شخصیتی و اختلال در رشد ذهنی، اجتماعی و اخلاقی فرزند پدید می آید. یک پدر هر چه تلاش کند و بتولند نقش مادر را با موفقیت بازی کند، نخواهد توانست نیاز به عواطف مادرانه را در کودکان ارضا کند، به ویژه اگر محرومیت کودک از مادر با ازدواج دوباره پدر، وجود مادر دوم یا نامادری مواجه گردد که در این حال فرزندان پدر را از دست می دهند و بر کمبودهای آنان افزوده می شود. (ساره نظری، ۱۳۹۴: ۴)

۴- آسیب های طلاق بر مردان

چون مردان توانایی کمتری در کنار آمدن با مشکلات دارند، هنگام متارکه به دلیل وابستگی به هم سر از نظر مسائل تربیتی و مسائل حاکم بر زندگی، بسیار ضربه می‌بینند. مردان، درگیر انطباقات بی‌شتری با تعهدات حمایت از فرزندان هستند. اضطرابی که در مردان بعد از متارکه شکل می‌گیرد بسته به نوع شخصیت مردان باعث بروز ناراحتی‌های روحی و روانی و بیماری‌های جسمی می‌شود. مسائل اقتصادی ناشی از مهریه‌های سنگین و روی آوردن به اعتیاد و مواد مخدر از جمله آسیب‌های ناشی از طلاق بر مردان است. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۱۸)

۵- ایجاد خانواده اضطراری

از جمله آثار طلاق ایجاد خانواده‌های اضطراری است؛ یعنی یکی از زوجین بعد از جدایی در خانه پدری زندگی می‌کند و هر شرایطی را تحمل می‌کند. اگرچه بی‌شتر زنان مطلقه با سواد هستند و می‌توانند شغلی داشته باشند، ولی وابستگی و احساس سربار بودن، هنوز برای زنان مطلقه وجود دارد. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۲۰)

۶- به هم خوردن تعادل روحی و روانی اعضای خانواده

طلاق، تعادل روحی و روانی اعضای خانواده، فرزندان و وابستگان را به هم می‌زند و آسیبی شبیه مرگ ولدین بر فرزندان و اعضای خانواده وارد می‌شود. طلاق باعث کاهش اعتماد به نفس اعضای خانواده می‌شود. چنین کمبودی می‌تواند ماهیتی جسمی رفتاری و اجتماعی داشته باشد. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۲۱)

۷- آسیب‌های اجتماعی طلاق

گذشته از اعضای خانواده، آسیب‌های ناشی از طلاق می‌تواند اجتماع را تحت تاثیر قرار دهد. این موضوع، تبعاتی برای جامعه و اجتماع به همراه دارد مانند افزایش جرایم اجتماعی، تزلزل اجتماعی، عدم ثبات جامعه و فروپاشی خانواده به عنوان مهم‌ترین و اولین نهاد اجتماعی، افزایش هزینه‌های اجتماعی برای جلوگیری از جرایم و ناهنجاری‌ها و انحرافات ناشی از طلاق، افزایش کودکان خیلانی، فرار فرزندان از خونه، تکدی‌گری، قتل و خودکشی، اعتیاد، قاچاق، افزایش تعداد زنان خودسرپرست، مشکلات معیشتی، روانی و اجتماعی زنان خودسرپرست و سایر نابسامانی‌های شخصیتی، اجتماعی و رفتاری افراد مطلقه و فرزندان آنها. (طاهره حسینی، ۱۴۰۰: ۲۱-۲۰)

خانواده متعالی و راهکارهای کاهش طلاق

۱- رعایت عفاف و حجاب

عفت و پاکدامنی یکی از مهم‌ترین عناصر محوری استحکام خانواده است. مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قائل شدن در رویه و مراوده، تعامل و گفتگوی زنان با مردان نامحرم در حوزه‌های مختلف است. آثار و تبعات باحجابی و بی‌حجابی دامن‌گیر خانواده و اجتماع

می‌شود. برهنگی، آرایش و عشوه‌گری زنان سبب کوبیدن اعصاب مردان و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد. بر اساس آموزه‌های قرآنی و گزاره‌های دینی و آنچه در جوامع غرب در نتیجه بی‌عفتی و بی‌حجابی شاهد آن هستیم، نشان می‌دهد شخصیت و کرامت زن و نقش رعایت عفت و حجاب در افزایش و دل‌بستگی و کاهش رفتارهای انحرافی و آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق تاثیر بسیار دارد. حجاب و عفاف نقش کلیدی در کاهش آمار طلاق و جدایی خانواده دارد و هر چه قدر که این مهم رعایت شود پیوند بین زوجین مستحکم‌تر و مودت و رحمت افزون‌تر خواهد شد.

با مراقبت‌های اخلاقی به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد اهتمام می‌ورزند و به این نتیجه می‌رسند که محبت واقعی با سفارش به دست نمی‌آید. به جای نفس پرستی، عشق‌ورزی را با احترام متقابل، اعتماد سازی و ذوب کردن کدورت‌ها در لابلای محبت‌ها در خانواده حاکم ساخته و از این طریق به خوشبختی می‌رسند و همدیگر را به شتی می‌کنند. (علی آقا صفری و محمد امیری، 1400: 89)

۲- رعایت عدالت و انصاف

با رعایت عدالت، مصلحت ازدواج و خانواده بایسته‌ی شکل می‌گیرد و این فراهم ساز بستر جامعه سالم است و معمولاً بی‌عدالتی و نادیده گرفتن اصول و ارزش‌های بنیادی منطبق با سرشت آدمی موجب اختلالات زندگی و اختلافات اخلاقی و خانوادگی می‌شود. عدالت، گزینش حد و سطر به دور از افراط و تفریط است. بنابراین منظور از عدالت، برقرار سازی حکم عدالت در انجام وظایف ظاهری چون روی نگردانی، رها نکردن بلا تکلیف و ایجاد صلح و سازش بر پایه‌ی تقوا است. و تقوا به دنبال خود مغفرت و رحمت می‌آورد. (علی آقا صفری و محمد امیری، 1402: 84-89)

۳- تعهد مداری (اخلاق محوری)

تعهد مداری و معاشرت نیک و اغماض نظر از کاستی‌های یکدیگر یکی از عناصر بسیار تاثیرگذار در ایجاد مهر و علاقه، کنترل رفتارها و کاهش جدایی و طلاق است؛ زیرا با آن می‌توان زندگی را از آلوده شدن به بیماری دنیا گرایی و انهدام کانون خانواده مصون و محفوظ نگه داشت، زن و شوهر به منزله لباس و زینت همدیگر هستند، تامین خواسته‌های زن و شوهر توسط همدیگر، موجب نگهداری از سان از بی‌حیایی، بد رفتاری و معاشرت و آمیزش با غیر خود می‌شود. اگر هم سران در رابطه‌ی زنا شویی خود در زدودن رذایل اخلاقی و جلوگیری از بد رفتاری گام بردارند، از رهاوردهای آن افزایش مهر و محبت در کانون گرم خانواده و کنترل نفس و کاهش طلاق و آسیب‌های اجتماعی و استحکام بخشی بنیان خانواده است. (علی آقا صفری و محمد امیری، 1402، 81-80)

۳- تعیین هدف و هدف گذاری

تعیین اهداف در زندگی از ضروریات و سنگ بنای کفویت محسوب می شود و تحقق آن نیازمند نگاه جامع و هدف گذاری است؛ زیرا با هدف گذاری هم مقصد مشخص می شود و هم معیارهای رشد و رسیدن به زندگی بایسته ارائه می گردد. در ادبیات مدیریتی تجدید بر آن است که اهداف شخصی بایست چالشی و در عین حال دست یافتنی باشند. بر همین اساس منظور از تعیین هدف در زندگی اهتمام به فلسفه ازدواج، برکات آن و شناخت متقابل باورها و ارزش ها و نگرش ها و هدف گذاری جهت نیل به مطلوب است. در واقع نظام زندگی مبتنی بر باورها است و از سانها بر اساس باورها به شان عمل می کنند و از این رو ناهماهنگی و ناهمگونی در ایمان، هرگز زن و مرد را به مقصد مطلوب و زندگی بایسته نمی رساند.

تحقیقات وسیع نشان داده است که اختلافات عقیدتی، مذهبی و ارزشی زوجها می تواند زمینه ساز مشاجرات و نارضایتی های زناشویی و منجر به طلاق گردد.

اهتمام به هدف در ازدواج و هدف گذاری برای رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی ضرورت دارد و این می طلبد که در لحاظ کردن کفویت تنها مسئله سن و سال و امور مادی مطرح نباشد، بلکه برای رسیدن به تفاهم بایسته و زندگی پرمهر و با دوام باید نگاه جامعه نگرانه داشت. (علی آقا صفری و محمد امیری، ۱۴۰۲: ۷۹-۷۷)

قناعت، آسان گیری، بی توجهی به چشم و هم چشمی های مشکل آفرین و اهتمام به ارزش های معنوی و حفظ آبرو، عزت، معنویت و الگوگیری شایسته و مناسب، از دیگر راهکارهای کاهش طلاق و خواسته های غیرمنطقی در خانواده است. (علی آقا صفری و محمد امیری، ۱۴۰۲: ۸۹)

نتیجه‌گیری

به دلیل اهمیت خانواده، در سلامت جامعه و رشد و تعالی انسان و به تبع آن رشد و تعالی جامعه و آسیب‌هایی که معضل طلاق زمینه‌ساز آن است؛ هم در خانواده و هم در اجتماع. در مقاله حاضر به توصیف خانواده متعالی و ویژگی‌های آن پرداخته‌ایم تا با آشنایی با ویژگی‌های خانواده متعالی و ایجاد خانواده سالم از طلاق و آسیب‌های ناشی از آن بکاهیم.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در بین عوامل طلاق، عوامل اخلاقی و رفتاری تاثیر بیشتری در طلاق و از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها دارد، زیرا عوامل اخلاقی و رفتاری، زمینه‌ساز عوامل دیگر طلاق از جمله عوامل اقتصادی هستند. وقتی در خانواده مکارم اخلاق و رفتار نیک نباشد، عدم مسئولیت‌پذیری، نبود وجدان جمعی، عدم پایبندی به اخلاق مداری فرد را به انحرافات اخلاقی از جمله اعتیاد، خیانت و ... می‌کشد. در خانواده‌ای که فردگرایی و عدم مسئولیت‌پذیری حاکم باشد، دیگر نمی‌توان توقع همدلی، محبت، همکاری و تواضع در بین اعضای خانواده داشت.

خانواده متعالی، خانواده‌ای است که در آن تمام پیوندها به درستی شکل گرفته است. در خانواده متعالی، خدا معنایی وجود دارد. خدامعنایی یعنی مبنا قرار گرفتن خدا در زندگی. وقتی انسان در همه اعمال خود خدا را در نظر بگیرد، دیگر فردگرایی معنایی نخواهد داشت. خدا معنایی باعث گذشت و ایثار می‌شود. طلاق هم خود یکی از آسیب‌های اجتماعی است و هم عاملی برای ایجاد آسیب‌های اجتماعی دیگر. آسیبی که خانواده سرنوشت و پویایی نسل آینده و جامعه را تهدید می‌کند.

در خانواده متعالی، محبت و همدلی حکم فرماست. حسن خلق و تواضع بین اعضای خانواده وجود دارد. همکاری، مشورت، صداقت، احترام و ادب از نشانه‌های تواضع و ویژگی‌های خانواده متعالی است.

رعایت عفاف و حجاب، رعایت عدالت و انصاف، تعهد مداری، اخلاق محوری، تعیین هدف و هدف‌گذاری در زندگی و به طور کلی حاکم شدن معنویت در زندگی، حضور خدا در زندگی که از ویژگی‌های خانواده متعالی است می‌تواند آمار طلاق را به شکل چشمگیری کاهش دهد.

منابع

- 1- انوری، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
- 2- آقا صفری، علی و امیری، محمد (۱۴۰۲)، راهکارهای کاهش طلاق از منظر روایات با تاکید بر اندیشه امام خامنه‌ای، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، سال دهم، شماره ۱۹.
- 3- پسندیده، عباس (۱۴۰۱)، رضایت زناشویی، قم، نشر دارالحدیث.
- 4- پور محمد، سیده راضیه و آخوند، سکینه و اخلاقی، نجس (۱۳۹۸)، واکاوی شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سبک زندگی از منظر قرآن، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۷، شماره ۵۳.
- 5- تحریری، محمد باقر (۱۳۹۱)، اخلاق اجتماعی، قم، مرکز نشر هاجر.
- 6- حسینی، طاهره (۱۴۰۰)، طلاق و آسیب‌های آن بر خانواده و اجتماع، پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، سال ۴، شماره ۶.
- 7- خطیب، سیدمهدی (۱۳۹۱)، مهارت‌های زندگی، قم، نشر دارالحدیث.
- 8- داذ شور، احسان (۱۴۰۱)، بررسی عوامل اخلاقی طلاق، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- 9- دکتر افروز، غلامعلی (۱۳۸۸)، خانواده متعالی در سایه حاکمیت حقوق عاطفی، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۴۶.
- 10- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت نامه دهخدا، تهران دانشگاه، ادبیات.
- 11- زارعان، منصوره و چابکی، ام البنین (۱۳۹۶)، علل اجتماعی طلاق در زنان و ارائه راهکارها، دومین کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه.
- 12- شعا کاظمی، مهرانگیز (۱۳۸۴)، خانواده و آسیب‌های روانی موجود در آن، معرفت شماره ۹۴.
- 13- عسگری و اسلام پور و کریمی (۱۳۸۴)، نقش عفاف و پاکدامنی در زندگی اسلامی، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۲۸۱.
- 14- قاسمی، امین الله (۱۴۰۰)، آسیب‌شناسی و تبعات منفی طلاق و فروپاشی خانواده در جامعه، فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعه اسلامی.
- 15- قریشی، فردین و شیرمحمدی، داوود و برجوند، آوات (۱۳۹۳)، فهم عوامل طلاق از منظر مردان و زنان در معرض طلاق و طلاق گرفته (مطالعه موردی شهر سقز)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۳، شماره اول.

- 16- قلی زاده، آذر و بانکی پور فرد، امیرح سین و م سعودی نیا، زهرا (۱۳۹۴)، مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه ساز طلاق، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره ۵۷.
- 17- کریمی، سحر (۱۳۹۴)، علل و عوامل طلاق در جامعه و جبهه‌های مختلف آن، ماهنامه پژوهش، دوره اول، شماره یکم.
- 18- نبی‌پور، علی (۳۹۰)، رویکرد متعالی اسلام به حقوق خانواده و نقش آن در تعالی و کارآمدی خانواده، طه‌ورا - فصلنامه‌ای در عرصه مطالعات زنان و خانواده، سال چهارم.
- 19- نظری، ساره (۱۳۹۳)، بررسی آثار و پیامدهای طلاق بر خانواده و جامعه، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی.
- 20- نیازی، محسن (۱۳۹۲)، خانواده متعالی با تاکید بر آموزه‌های اسلام، تهران، انتشارات سخنوران.
- 21- هنریان، مسعوده و یونسی، سید جلال (۱۳۹۰)، بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.